

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال سیزدهم شماره ۵۳ بهار ۱۳۹۸

## سنجش باورهای ضمنی افسردگی با روش ارزیابی ارتباطی ضمنی (IRAP): مطالعه‌ای بر اساس مدل بسط و انسجام ارتباطی (REC)<sup>۱</sup>

جلیل باباپور<sup>۱</sup>

عباس بخشی‌پور<sup>۲</sup>

حمید پورشریفی<sup>۳</sup>

عیسی حکمتی\*<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر ارزیابی توانایی IRAP در اندازه‌گیری باورهای ضمنی افسردگی بود. بدین منظور، ۵۰ دانشجو به صورت هدفمند انتخاب و ابزارهای پژوهش، شامل پرسشنامه آمیختگی شناختی (CFQ)، پرسشنامه افسردگی بک (BDI-II) و IRAP افسردگی، بر روی آنها اجرا شد. داده‌های ۴ نفر به دلیل عدم رعایت شرط صحت IRAP کنار گذاشته شده و سپس داده‌ها تحلیل شدند. نتایج نشان داد آزمودنی‌ها در کوشش‌های نوع ۱ (من-مثبت) و نوع ۲ (من-منفی) DIRAP مثبت و در کوشش نوع ۳ (دیگران-مثبت) و ۴ (دیگران-منفی) DIRAP منفی کسب کرده‌اند؛ این یافته‌ها نشانگر سرعت پاسخدهی متفاوت ارتباطدهی محرک‌های منفی و مثبت به خود و دیگران است. همچنین اثر IRAP کل نیز مثبت (بزرگ‌تر از صفر) است ( $Overall D_{IRAP} = 0.34$ ) و نشانگر نگرش مثبت‌تر نسبت به خود در مقایسه با دیگران است. نتایج تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر معناداری تفاوت‌ها را تأیید کرد ( $p > 0.01$ ). همچنین نتایج نشان داد آمیختگی شناختی با اثر IRAP کوشش‌های نوع ۱ همبستگی منفی دارد ( $p > 0.01$ )، اما آمیختگی با سایر اثر IRAP کوشش‌ها و همچنین افسردگی با هیچ‌کدام از نوع کوشش‌ها رابطه معنادار نداشت. یافته‌ها نشانگر توانایی این ابزار در اندازه‌گیری باورهای ضمنی مرتبط با افسردگی است.

واژگان کلیدی: نظریه چارچوب‌های ارتباطی؛ مدل بسط و انسجام ارتباطی؛ روش ارزیابی ارتباطی ضمنی، افسردگی

۱- استاد گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۲- استاد گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۳- استاد گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۴- دانشجوی دکترای روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) Email: iesa.hekmati@gmail.com

## مقدمه

نظریه چارچوب‌های ارتباطی<sup>۱</sup> (RFT)، رویکرد رفتاری مدرنی در باب زبان، شناخت و آسیب شناسی روانی (هیز، بارنز-هولمز، و روچ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱) ارائه کرده و مداخلات روانشناختی کارآمدی (درمان پذیرش و تعهد (ACT)؛ هیز، استروساهل و ویلسون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲) از آن حاصل شده است. این رویکرد در دهه اخیر توجهات زیادی به خود جلب کرده و پژوهش‌های آزمایشگاهی متعددی زیربنای نظری شناخت مثل تحول انواع چارچوب‌های ارتباطی و محرک‌های هم‌ارز را مورد مطالعه قرار داده‌اند (مثل بارنز-هولمز، فودی<sup>۴</sup>، بارنز-هولمز و مک هوف، ۲۰۱۳؛ اسلاتری و استوارت<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴). ایده اصلی نظریه این است که کارکردهای شناختی عالی مرکب از فعالیت‌های ارتباطی (که چارچوب‌دهی ارتباطی<sup>۶</sup> نامیده می‌شود) بوده و ارتباط بین محرک‌ها در فهم رویدادهای روانشناختی مهم است (هیز و همکاران، ۲۰۰۱؛ هیز و بارنز-هولمز، ۲۰۰۴؛ هاگز<sup>۷</sup> و بارنز-هولمز، ۲۰۱۶الف). مطابق این نظریه انسان دارای نوعی رفتار عاملی به نام پاسخ‌دهی ارتباطی قراردادی<sup>۸</sup> (AARR؛ هیز، فوکس، گیفورد، ویلسون، بارنز-هولمز و هیلی<sup>۹</sup>، ۲۰۰۱؛ استوارت و روچ، ۲۰۱۳) است که به شکل بنیادی شیوه تعامل با جهان پیرامون را تغییر می‌دهد. این رفتار بر روابط غیرقراردادی، یعنی بر ویژگی‌های صوری و فیزیکی بین محرک‌ها (استوارت و مک الو، ۲۰۰۹) و توانایی استنتاج روابط بین محرک‌ها و رویدادها، فارغ از ویژگی‌ها و خصوصیات فیزیکی آنها استوار بوده و بدون آموزش رخ می‌دهد (هیز و همکاران، ۲۰۰۱؛ هاگز و بارنز-هولمز، ۲۰۱۶الف؛ استوارت و روچ، ۲۰۱۳).

این نظریه، مدل بسط و انسجام ارتباطی<sup>۱۰</sup> (REC) را برای مطالعه شناخت ضمنی معرفی کرده (هاگز، بارنز-هولمز و واhey<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۲؛ هاگز و بارنز-هولمز، ۲۰۱۶ب؛ هاگز و بارنز-هولمز، ۲۰۱۳) که بر فرضیه زیربنایی نظریه چارچوب‌های ارتباطی-زبان و شناخت

1- Relational Frame Theory

3- Strosahl, &amp; Wilson

5- Slattery, &amp; Stewart

7- Hughes

9- Fox, Gifford, Wilson, Barnes-Holmes &amp;

Healy

11- Vahey

2- Barnes-Holmes, &amp; Roche

4- Foody

6- relational framing

8- Arbitrarily Applicable Relational Responding

10- Relational Elaboration and Coherence Model

ماهیتی ارتباطی دارند- در تبیین رفتارهای اندازه‌گیری شده توسط روش‌های مستقیم (پرسشنامه) و غیرمستقیم (ابزارهای ضمنی) مبتنی است (بارنز-هولمز، بارنز-هولمز، استورات و بولس، ۲۰۱۰). طبق این مدل پاسخ‌هایی که در رویکرد شناختی «خودکار» یا «ضمنی» نامیده شده‌اند، در واقع پاسخ‌های ارتباطی سریع و کوتاه (BIRRs)<sup>۱</sup> هستند، در حالی که پاسخ‌های «صریح» یا «کنترل شده»، پاسخ‌دهی ارتباطی گسترش و بسط یافته (EERs)<sup>۲</sup> هستند. در این مدل، زمان ابزاری برای تمییز مفهوم BIRRs از EERs است (دهوور و مورس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲؛ هاگز و همکاران، ۲۰۱۲). مطابق این مدل، پاسخ‌های ارتباطی مثل همه رفتارها، در طول زمان بروز کرده و فرد به‌هنگام مواجهه با یک محرک، نخست یک پاسخ ارتباطی سریع و کوتاه ارائه داده و سپس پاسخ‌های ارتباطی دیگری (پاسخ گسترش و بسط یافته) رخ می‌دهند. پاسخ‌های ارتباطی بعدی شاید در پاسخ به خود محرک یا پاسخ اولیه به این محرک‌ها رخ داده و با داشتن زمان کافی (آنچه در روش‌های اندازه‌گیری عینی، مثل پرسشنامه، رخ می‌دهد)، این پاسخ‌های ارتباطی اضافی یک شبکه ارتباطی منسجم را شکل می‌دهند (هاگز و بارنز-هولمز، ۲۰۱۳). این مدل در مقایسه با مدل‌های شناختی پیشین دارای مزایایی است که از جمله آنها ارزیابی و شناسایی شناخت‌های «حساس از نظر روانشناختی»<sup>۴</sup> و تبیین یافته‌های ناهمگرای حاصل از پرسشنامه و روش‌های ضمنی (کولن، بارنز-هولمز، بارنز-هولمز و استورات، ۲۰۰۹؛ پاور، بارنز-هولمز، بارنز-هولمز و استورات، ۲۰۰۹؛ هاگز و بارنز-هولمز، ۲۰۱۳)، اعتبار پیش‌بین بالاتر از پرسشنامه (پرگینی، ریچتین و زوگمایستر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰؛ کارپنتر، مارتینز، وادهان، بارنز-هولمز و نونز<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲) و پیش‌بینی رفتار واقعی فرد در زندگی (نیکولسون و بارنز-هولمز، ۲۰۱۲) است. در واقع مدل بسط و انسجام ارتباطی نه تنها رفتار ارزیابی شده به‌وسیله روش‌های مستقیم (صریح) و غیرمستقیم (ضمنی)، بلکه همگرایی و واگرایی عملکرد در این آنها را تبیین می‌کند.

روش و ابزار معرفی شده توسط مدل برای سنجش و اندازه‌گیری شناخت‌ها و باورهای ضمنی، روش ارزیابی ارتباطی ضمنی (IRAP)<sup>۷</sup> نام دارد که مبتنی بر اصول RFT و REC

1- Expanded and Elaborated Relational Responses  
 2- Brief and Immediate Relational Responses  
 3- psychologically sensitive  
 4- De Houwer, & Moors  
 5- Perugini, Richetin, & Zogmaister  
 6- Carpenter, Martinez, Vadhan, Barnes-Holmes, & Nunes  
 7- Implicit Relational Assessment Procedure

بوده و برای بررسی چارچوب‌های ارتباطی بکار برده شده (کمپبل<sup>۱</sup>، بارنز-هولمز، بارنز-هولمز و استوارت، ۲۰۱۱) و قادر به ثبت پاسخهای ارتباطی کوتاه و سریع است<sup>۲</sup> روش‌های عینی، قادر به شناسایی پاسخ‌های گسترش و بسط یافته هستند (بارنز-هولمز، بارنز-هولمز، پاور، هایدن، ملین<sup>۳</sup> و استوارت، ۲۰۰۶؛ بارنز-هولمز و همکاران، ۲۰۱۰). طی دهه اخیر این راهبرد هم‌تاکردن روابط کلامی طبیعی با روابط کلامی آزمایشگاهی منجر به فراهم شدن تحلیل‌های سودمندی درباره پدیده‌های روانشناختی چون نگرش نسبت به افراد چاق و لاغر (رودی<sup>۴</sup>، استوارت و بارنز-هولمز، ۲۰۱۱)، نگرش جنسی به کودکان، شناسایی سوء استفاده پیشین و تشخیص مجرمان جنسی (داوسون، بارنز-هولمز، گرسول، هارت و گور<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹؛ اسنودن، کرایگ و گری<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱؛ روچ، رویز، اوربوردن و هند<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵)، نگرش‌های قومی-نژادی، اجتماعی (دیکسون، رهفلدت، زولماک و رابینسون<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶؛ بارنز-هولمز، مورفی و همکاران، ۲۰۱۰؛ پاور و همکاران، ۲۰۰۹؛ دریک، کلوم، ویلسون، لوما، وینستین و آدامز<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰؛ فارل، کوکران<sup>۱۰</sup> و مک‌هاگ، ۲۰۱۵؛ مورفی، هوسی<sup>۱۱</sup>، بارنز-هولمز و کلی، ۲۰۱۵) شده است. نتایج اغلب این پژوهش‌ها نشانگر این است که با وجود سوگیری شناختی ضمنی در IRAP نسبت به موضوعات مورد مطالعه، ابزارهای عینی قادر به شناسایی این باورهای ضمنی دارای سوگیری نبوده‌اند.

شکل رایج این روش، نرم‌افزاری رایانه‌ای است که در آن فرد خواسته می‌شود واژه‌ها و عبارات را به سرعت و دقت به یکدیگر ارتباط دهد و برخلاف پرسشنامه، نتایج آن مبتنی بر سرعت نسبی است که فرد می‌تواند یک جفت محرک را به شیوه خاصی به همدیگر مرتبط سازند. اعتقاد بر این است که تفاوت در سرعت و دقت این ارتباط‌دهی ناشی از پیشینه یادگیری فرد در ارتباط دادن این محرک‌ها به همدیگر است؛ مثلاً یک فرد بهنجار به پاسخ‌دهی ارتباطی «شادی» و «من» «شبه» اند سریع‌تر از «شادی» و «من» به‌عنوان «متضاد» واکنش نشان خواهد داد (هوسی و بارنز-هولمز، ۲۰۱۲). این ابزار متشکل از

1- Campbell

3- Roddy

5- Snowden, Craig, &amp; Gray

7- Dixon, Rehfeldt, Zlomke, &amp; Robinson

9- Farrell, Cochrane

2- Power, Hayden, Milne

4- Dawson, Gresswell, Hart, &amp; Gore

6- Ruiz, O Riordan, &amp; Hand

8- Drake, Kellum, Wilson, Luoma, Weinstein &amp; Adams

10- Murphy, Hussey

بلوک‌های همساز و ناهمساز بوده و آزمودنی باید به کوشش‌های همساز و ناهمساز با روابط کلامی قبلی پاسخ دهد (بارنز-هولمز و همکاران، ۲۰۱۰). در هر کوشش یک کلمه به‌عنوان محرک نمونه در بالای صفحه ظاهر شده و محرک آماج در وسط صفحه شامل یک کلمه (از بین دو طبقه کلمه) که سریعاً بایستی به‌عنوان مثبت (مثل عشق) یا منفی (مثل سرطان) ارزیابی شوند. در پایین صفحه نیز گزینه‌های پاسخدهی ارتباطی مثل «مشابه» و «متضاد» گنجانده شده و لازم است آزمودنی نشان دهد که رابطه بین خوشایند (به‌عنوان محرک نمونه) و عشق (به‌عنوان محرک آماج) مشابه (از طریق فشار دادن کلید معین) یا متضاد (از طریق فشار دادن کلید دیگر) است. مطابق پیش‌بینی IRAP روابط کلامی پیشین در زمینه محرک‌های کلامی ارائه شده در تکلیف، منجر به زمان پاسخ‌های کوتاه‌تر نسبت به روابط ایجاد نشده یا جدید خواهد گردید که این تفاوت، اثر IRAP نامیده شده است (کمپبل و همکاران، ۲۰۱۱). فرض IRAP این است که میانگین نهفتگی پاسخ در بلوک‌های همساز کمتر از بلوک‌های ناهمساز بوده و آزمودنی بایستی به کوشش‌های ارتباطی منعکس‌کننده باورهای خود (همساز) سریع‌تر پاسخ دهند (بارنز-هولمز و همکاران، ۲۰۰۶).

با وجود توجهات حوزه روانشناسی اجتماعی به IRAP، پژوهش‌های چندانی در زمینه آسیب‌شناسی و نقش شناخت‌های ضمنی در آسیب روانی، به‌ویژه افسردگی، بر اساس این مدل انجام نگرفته است، در حالی که پژوهشگران، مطالعه شناخت‌های ضمنی را در آسیب‌شناسی و درمان واجد اهمیت دانسته‌اند (ویرز، تیچمن<sup>۱</sup> و دهور، ۲۰۰۷؛ واهی، بارنز-هولمز، بارنز-هولمز و استوارت، ۲۰۰۹). البته نظریه‌های شناختی با وجود مفهوم‌سازی در زمینه نقش باورهای ضمنی در افسردگی (مثل أبرامسون و همکاران، ۲۰۰۲؛ گاتلیب و نئوبائر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰؛ هافل، أبرامسون، برازی، شاه، تیچمن و نوسک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷). در سنجش شناخت‌ها مطابق نظریه شناختی چندان موفق نبوده‌اند (کوینونس<sup>۴</sup>، و هیز<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴). در این راستا چندین پژوهش سعی کرده‌اند شناخت‌های ضمنی را با استفاده از IRAP در زمینه آسیب‌های روانشناختی از جمله اختلال وسواسی-اجباری (مثل نیکلسون، مک‌کارت<sup>۵</sup> و بارنز-هولمز،

1- Wiers, Teachman

2- Neubauer

3- Haeffel, Abramson, Brazy, Shah, Teachman &amp; Nosek

4- Quinones

5- Nicholson, &amp; McCourt

۲۰۱۳؛ نیکلسون و بارنز-هولمز، ۲۰۱۲)، عزت‌نفس (رئمو، دهور، بارنز-هولمز، و ندرهاسلت و درادت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳؛ رئمو، هاگز، دهور و درادت، ۲۰۱۴)، خودکشی (هوسی، بارنز-هولمز و بوت، ۲۰۱۶)، واکنش‌پذیری شناختی در افسرده‌ها (هوسی و بارنز-هولمز، ۲۰۱۲) افکار مربوط به آینده در خودکشی (کونسس، ویلان، اودنوان<sup>۲</sup> و مک‌هاگ، ۲۰۱۳) مورد بررسی قرار دهند. با این حال مطابق هوسی و همکاران (۲۰۱۵) بیشتر این پژوهش‌ها مبتنی بر مدل بسط وانسجام ارتباطی نبوده و پژوهشی نیز بر اساس این مدل باورهای ضمنی دخیل در افسردگی را مورد بررسی قرار نداده است. این مسأله بدین‌خاطر مهم است که اغلب پژوهش‌های پیشین به ویژه در حوزه افسردگی با استفاده از پرسشنامه‌های عینی انجام گرفته و پژوهشگران معتقدند روش‌های سنتی ارزیابی افکار و باورها ممکن است مستعد سوگیری باشد، مثلاً شاید افراد تلاش کنند خود را مطلوب‌تر نشان داده و یا از باورهای خویش آگاه نبوده و یا در صدد پنهان کردن باشند (پاور و همکاران، ۲۰۰۹). با وجود تلاش برای کاهش سوگیری و افزایش اعتبار ابزارهای عینی، مقیاس‌های ضمنی در زمینه سنجش باورها توانایی بیشتری نسبت به ابزارهای عینی نشان می‌دهند (روئفز<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۱) و مقیاس‌های ضمنی دارای مزایایی هستند که آزمودنی‌ها از ارزیابی شدن نگرش و باور آگاه نبوده، دسترسی هشیار به آن نگرش و شناخت نداشته و کنترلی بر نتیجه ارزیابی ندارند (دهوو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶). بنابراین لازم است کاربرد چنین ابزارهای ضمنی در آسیب‌های روانی مورد توجه قرار گیرد که هدف مطالعه حاضر ارزیابی IRAP افسردگی در اندازه‌گیری باورهای ضمنی در بین دانشجویان بهنجار است.

## روش

پژوهش حاضر بخشی از یک پروژه در زمینه مطالعه شناخت‌های ضمنی مربوط به افسردگی از دیدگاه نظریه چارچوب‌های ارتباطی بود. طرح مطالعه حاضر پس رویدادی بود و نمونه آن شامل ۵۰ دانشجوی بهنجار مشغول به تحصیل در مقطع کارشناسی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۵ بود که به‌صورت هدفمند انتخاب شده و در فرآیند پژوهش وارد شدند. ملاک‌های خروج عبارت بودند از کسب نمرات بالاتر از نقطه برش در پرسشنامه افسردگی

1- Remue, Vanderhasselt, De Raedt

3- Roefs

2- Kones, Whelan, O Donovan

4- De Houwer

بک و رعایت نکردن ملاک‌های صحت و سرعت در تکلیف IRAP افسردگی که از بین ۵۰ نفر فوق، ۴ نفر به دلیل برآورده نکردن ملاک صحت تکلیف IRAP از پژوهش کنار گذاشته شدند. میانگین سنی شرکت کنندگان سنی ۲۰۹/۲۱/۱۱ بود.

### ابزارهای پژوهش

سیاهه افسردگی بک- ویراست دوم (BDI-II): این ابزار پرکاربردترین مقیاس سنجش افسردگی است که به منظور سنجش بازخوردها و نشانه‌های بیماران افسرده طراحی شده و بعداً در سال ۱۹۹۶ مورد تجدید نظر قرار گرفته است (قاسم‌زاده، مجتبیایی، کرم قدیری و ابراهیم‌خانی، ۲۰۰۵). در زمینه اعتبار<sup>۱</sup> همگرای آن، مطالعات نشان داده‌اند این ابزار با مقیاس درجه‌بندی روانپزشکی همیلتون (HRSD)، مقیاس خودسنجی زونگ، مقیاس صفات عاطفی چندگانه افسردگی و SCL-90 در بین بیماران روانپزشکی همبستگی بالای ۰/۶۰ دارد. بک و همکاران (۱۹۹۶؛ به نقل از قلیزاده، ۱۳۸۷) همسانی درونی آن را ۰/۸۷ و پایایی بازآزمایی آن را ۰/۶۰ گزارش کرده‌اند. قاسم‌زاده و همکاران (۲۰۰۵) ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه را در ایران مورد بررسی قرار داده و اعتبار همزمان آن را (با پرسشنامه افکار خودآیند) تأیید کرده و همسانی درونی و بازآزمایی آنرا ۰/۸۷ و ۰/۷۴ گزارش کرده‌اند. علاوه بر این، مطالعه دیگری آلفای کرونباخ ۰/۹۱، همبستگی دونیمه ۰/۸۹، بازآزمایی ۰/۹۴ و همبستگی با پرسشنامه افسردگی بک نسخه اول ۰/۹۳ گزارش کرده است (فتی ۱۳۸۲؛ به نقل از هاشمی، محمودعلیلو و هاشمی، ۱۳۸۹).

پرسشنامه آمیختگی شناختی<sup>۲</sup> (CFQ): گیلاندرز و همکاران (۲۰۱۴) این پرسشنامه را بر اساس رویکرد ACT/RFT تدوین کرده و ویژگی‌های آن را در یک پژوهش گسترده با چندین نمونه مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. بدین منظور آنها ۴۴ گویه برای سنجش آمیختگی شامل باورپذیری افکار، واقعیت‌پنداری افکار، واکنش هیجانی به افکار، هدایت رفتار به واسطه افکار، تلاش برای کنترل افکار، تحلیل موقعیت‌ها و غیره تدوین کرده‌اند که در با انجام چندین تحلیل عاملی اکتشافی، در نهایت پرسشنامه یک عاملی با ۷ گویه به شکل نهایی باقی‌مانده است. تحلیل عاملی تأییدی بر روی ۵ نمونه مختلف نشانگر شاخص‌های

1- Validity

2- Cognitive Fusion Questionnaire

برازش مطلوب این ابزار بوده و ساختار یک عاملی این پرسشنامه را تأیید کرده است. همچنین اعتبار سازه، واگرا و نموی از طریق همبستگی آن با ابزارهای مختلف مثل پرسشنامه پذیرش و عمل (AAQ)، پرسشنامه زندگی ارزشمند<sup>۱</sup>، ذهن‌آگاهی، ابزارهای آسیب‌شناسی روانی و پرسشنامه کیفیت و رضایت زندگی مورد بررسی قرار گرفته و اعتبار آن تأیید شده است؛ نهایتاً اعتبار ملاکی آن به‌واسطه توانایی این ابزار برای تفکیک افراد دارای آشفتگی روانشناختی از افراد غیرآشفته مورد تأیید قرار گرفته است. بخش دیگری از تحلیل‌ها در این مطالعه نشان داده است که این ابزار به تأثیرات مداخله ACT حساسیت بسیار خوبی دارد. همچنین آلفای کرونباخ این ابزار در نمونه‌های مختلف بین ۰/۸۸ تا ۰/۹۳ و پایایی آن به‌روش بازآزمون ۰/۸۰ به دست آمده است (گیلاندرز و همکاران، ۲۰۱۴).

**تکلیف IRAP افسردگی:** تکلیف IRAP افسردگی مطالعه حاضر بر اساس نرم‌افزار IRAP مطالعه بارنز-هولمز و همکاران (۲۰۱۰) تدوین شده است. ساختار تکلیف مشابه نسخه‌های پیشین (بارنز-هولمز، هایدن، بارنز-هولمز و استورات، ۲۰۰۸؛ بارنز-هولمز و همکاران، ۲۰۱۰؛ بارنز-هولمز و همکاران، ۲۰۰۶؛ پاورز و همکاران، ۲۰۰۹) بود و فقط نوع محرک‌ها (مربوط به افسردگی) در نسخه حاضر متفاوت بوده است. برای تدوین و ارائه محرک‌ها «راهنمای کاربران IRAP»<sup>۲</sup> (هوسی، ۲۰۱۴) و همچنین جهت استخراج نمرات از نرم‌افزار از «راهنمای تفسیر داده‌های IRAP» (هوسی، تامپسون، مک انتگارت، بارنز-هولمز و بارنز-هولمز، ۲۰۱۵) استفاده شد. این تکلیف رایانه‌ای شامل ارائه جفت‌هایی از محرک‌ها به آزمودنی بر روی صفحه رایانه بوده و آزمودنی بایستی به کوشش‌های متشکل از جفتی از محرک‌ها همراه با سرعت و دقت پاسخ دهند. در اصل قاعده حاکم این است که به این جفت محرک‌ها در برخی بلوک‌ها به‌صورت همساز (قاعده الف) و در برخی بلوک‌ها به‌صورت ناهمساز پاسخ دهند (قاعده ب). در واقع کوشش‌ها در دو نوع بلوک همساز و ناهمساز به آزمودنی‌ها ارائه می‌شود که در مطالعه حاضر هر یک از بلوک‌ها شامل ۲۴ کوشش بود که نصف این کوشش‌ها مربوط به محرک نمونه «من» و نصف دیگر مربوط به محرک نمونه «دیگران» بود که هر یک از محرک‌های نمونه در دو بخش مربوط به محرک‌های آماج

1- Valued Living Questionnaire

2- User Manual for IRAP



مثبت (شادی، امید، لذت، زندگی، موفقیت، ارزشمند) و منفی (غم، نومید، رنج، مرگ، شکست، بی‌ارزش) ارائه شدند. در هر یک از کوشش‌های بلوک‌های همساز یک محرک نمونه (من-دیگران) در بالای صفحه نمایش ارائه شده و در وسط نیز یک محرک آماج (مثل شادی یا غم) آشکار می‌شد که آزمودنی بایستی به محض دیدن آنها موافقت یا مخالفت خود نسبت به رابطه آن دو محرک را با فشار دادن کلید K (اگر رابطه آن دو محرک درست است) و یا D (اگر رابطه آن دو محرک غلط است) اعلام کند. مثلاً در بلوک‌های همساز وقتی محرک نمونه «من» همراه با محرک آماج «موفقیت» ارائه شود، آزمودنی بایستی کلید K و برعکس وقتی محرک نمونه «من» همراه با محرک آماج «شکست» ارائه می‌شد، بایستی کلید D را فشار دهد. بلوک‌های ناهمساز عین بلوک‌های همساز بود و فقط الگوی پاسخ معکوس بود، یعنی آزمودنی بایستی به تطابق بین محرک نمونه و آماج (من-شاد) به صورت معکوس پاسخ می‌داد (یعنی فشار دادن گزینه پاسخ غلط). قبل از هر بلوک به آزمودنی گفته می‌شد که در آن بلوک طبق قاعده همساز (الف) یا ناهمساز (ب) پاسخ دهد. این نرم افزار سرعت نسبی پاسخ‌دهی آزمودنی‌ها در بلوک‌های ناهمساز نسبت به همساز را مورد مقایسه قرار می‌دهد و روشی برای ارزیابی زمان واکنش همراه با سوگیری بوده و اعتقاد بر این است که انعکاسی از باورها و نگرش‌های ضمنی است (دهوور و مورس، ۲۰۱۲). ترکیب ساختار محرک‌ها و پاسخ‌ها (یعنی دو محرک برچسب شامل من-دیگران، و محرک‌های آماج مثبت و منفی) منجر به ۴ نوع کوشش زیر می‌شود: کوشش نوع ۱=من-مثبت؛ کوشش نوع ۲: من-منفی؛ کوشش نوع ۳: دیگران-مثبت؛ و کوشش نوع ۴: دیگران-منفی. گزینه‌های پاسخ درست و غلط به گزینه‌های پاسخ در هر نوع کوشش هر یک از بلوک‌های همساز و ناهمساز از پیش در ساختار تکلیف تعیین شده است (بارنز-هولمز، بارنز-هولمز، استورات و بولس، ۲۰۱۰) (جدول ۱). بدین خاطر در یک بلوک همساز وقتی محرک من-شادی ارائه می‌شود فرد بایستی از بین گزینه‌های پاسخ «درست» و «غلط» گزینه اول را انتخاب نماید و در صورت انتخاب گزینه دوم (یعنی «غلط») علامت قرمز رنگ X به نشانه اشتباه بودن پاسخ بر روی صفحه ظاهر می‌شود. در حالی که جفت محرک من-شادی وقتی در بلوک ناهمساز ارائه شده فرد بایستی گزینه پاسخ «غلط» را انتخاب کند. همانطور که ذکر شد هدف از ارائه محرک‌ها بدین شیوه این است که زمان واکنش بین بلوک‌های همساز و ناهمساز در هر

یک از چهار نوع کوشش مورد سنجش قرار گیرد (مثلاً تفاوت سرعت بین انتخاب «درست» در بلوک‌های همساز در مقابل انتخاب پاسخ «غلط» در بلوک ناهم‌ساز).

جدول (۱) انواع کوشش‌ها و پاسخ صحیح هر یک از آنها در IRAP افسردگی

کوشش نوع ۱:	کوشش نوع ۲:	کوشش نوع ۳:	کوشش نوع ۴:
من - مثبت	من - منفی	دیگران - مثبت	دیگران - منفی
بلوک همساز درست	بلوک همساز غلط	بلوک ناهم‌ساز درست	بلوک ناهم‌ساز غلط

قبل از ورود آزمودنی‌ها به فاز اصلی نرم‌افزار ۳ بلوک تمرین انجام دادند، که به‌هنگام انجام این مرحله به آزمودنی‌ها گفته شد با سرعت و همراه با کمترین اشتباه به‌رابطه بین محرک‌ها پاسخ دهند. هدف این سه بلوک دستیابی به ملاک صحت و ملاک تسلط بر زمان نهم‌نگی است. همچون مطالعات قبلی ملاک میزان صحت<sup>۱</sup> در هر بلوک برای آزمودنی‌ها ۸۰٪ در نظر گرفته شده بود (یعنی پاسخ صحیح به ۸۰٪ کوشش‌ها) و آزمودنی‌ها بایستی در بلوک‌های تمرین به این ملاک دست یابند. همچنین زمان نهم‌نگی برای ارائه پاسخ صحیح مطابق پیشنهاد پژوهش‌های قبلی (هوسی و همکاران، ۲۰۱۵) کمتر از ۲۰۰۰ میلی‌ثانیه تنظیم شده بود.



شکل (۱) نمونه‌ای از ۴ نوع کوشش IRAP افسردگی

1- Accuracy rate

شیوه محاسبه و تفسیر اثر IRAP همانگونه که اشاره شد IRAP محرک‌هایی را به آزمودنی در دو نوع بلوک-که تفاوت بین آنها گزینه پاسخ مربوط به هر یک از انواع کوشش‌هاست- ارائه داده و پژوهشگران در صدد کمی‌سازی تفاوت سرعت پاسخدهی بین دو نوع بلوک برای هر جفت از محرک‌ها هستند و این تفاوت نشان می‌دهد که کدام جهت‌گیری پاسخدهی برای فرد درونی و یا «خودکار» است (دهوور و مورس، ۲۰۱۲). برای محاسبه چنین تفاوتی، مطابق پژوهش‌های پیشین، در مطالعه حاضر نمرات DIRAP استخراج شدند. DIRAP اقتباسی از d کوهن است و شامل چندین گام است که برخی از این گامها توسط نسخه‌های مختلف نرم‌افزار IRAP محاسبه می‌شود که این گام‌ها در جدول (۲) نشان داده شده‌اند.

جدول (۲) مراحل نمره‌گذاری و محاسبه DIRAP

مرحله	توضیحات
۱. تعریف واحد اندازه‌گیری	زمان واکنش به‌عنوان زمان بین ارائه محرک و اولین پاسخ صحیح از سوی آزمودنی تعریف شده است.
۲. خروج پاسخ‌های خیلی سریع	برای هر آزمودنی، داده‌های IRAP را در صورتی که زمان واکنش بیش از ۱۰ درصد بلوک‌ها $< 300$ میلی‌ثانیه باشد را حذف کنید.
۳. حذف پاسخ‌های خارج از کرانه	برای هر نوع کوشش در بین بلوک‌ها، نهنگی‌های $10000$ میلی‌ثانیه را حذف کنید.
۴. محاسبه نمرات	برای هر نوع کوشش در بین بلوک‌ها $D$ (با فرمول $D = (M_B - M_A) / SD_{AB}$ ) را محاسبه کنید.
۵. خروج داده‌هایی که ملاک صحت و نهنگی را رعایت نکرده‌اند	برای هر آزمودنی، داده‌های فاقد ملاک صحت و نهنگی از مطالعه کنار بگذارید. این ملاک‌ها را می‌توان در سطح بلوک یا نوع کوشش می‌توان استفاده کرد که به دو شیوه اکان استفاده آنها وجود دارد.
۶. میانگین نمرات بین بلوک‌ها	برای هر نوع کوشش، میانگین نمره $D$ در بین بلوک‌های آزمون را محاسبه کنید.
۷. وارونه‌سازی نوع کوشش‌ها	به منظور انجام تحلیل آماری و بسته به محتوای IRAP نمره‌های دو نوع کوشش معکوس را وارونه می‌کنیم تا داده‌ها بر روی محور مشترکی از نوع کوشش‌ها قرار گیرند (هوسی و همکاران (۲۰۱۵) آن را جهت استفاده از تحلیل آماری برای کوشش نوع سوم و چهارم پیشنهاد کرده‌اند).

### شیوه اجرا

پس از آماده‌سازی ساختار محرک‌های IRAP افسردگی، این ابزار و دو ابزار دیگر بر روی ۵۰ دانشجوی کارشناسی (فاقد علایم افسردگی) اجرا شد و پس از محاسبه اثر IRAP (DIRAP) به بررسی الگوهای به‌دست آمده و معنادار بودن تفاوت DIRAP انواع کوشش‌ها پرداخته شد. به دلیل عدم رعایت شرط دقت در مرحله تمرین توسط ۴ نفر از دانشجویان، داده‌های آنها کلاً از مطالعه خارج شده و تحلیل‌ها و تفسیرها بر روی ۴۶ نفر باقیمانده انجام گردید. همچنین برای بررسی اعتبار همگرایی این ابزار، همبستگی DIRAP با آزمون افسردگی بک و آمیختگی شناختی مورد بررسی قرار گرفت.

### یافته‌ها

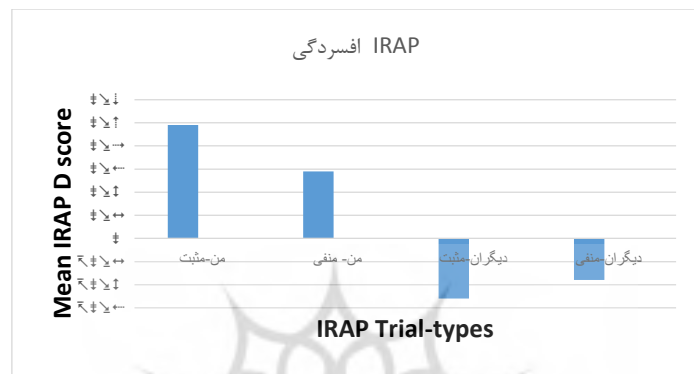
به‌منظور بررسی توانایی تکلیف IRAP افسردگی در زمینه اندازه‌گیری شناخت‌های ضمنی ۵۰ دانشجو به‌صورت در دسترس انتخاب شده و در کنار سایر ابزارها، تکلیف IRAP افسردگی نیز بر روی آنها اجرا شد و سپس نمرات DIRAP هر یک از دانشجویان در انواع کوشش و همچنین اثر IRAP کلی بر اساس اساس شیوه محاسبه و تفسیر این نمرات - که در فوق توضیح داده شد- استخراج گردید که ۴ نفر از شرکت کنندگان ملاک صحت (۸۰٪) را نداشتند که نمرات آنها از مطالعه خارج شدند. میانگین نمرات DIRAP و دو متغیر دیگر مطالعه در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول (۳) آماره‌های توصیفی انواع اثر IRAP، آمیختگی و افسردگی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
من-مثبت	۴۶	۰/۴۸	۰/۰۸
من-منفی	۴۶	۰/۲۹	۰/۰۶
دیگران-مثبت	۴۶	-۰/۲۶	۰/۰۴
دیگران-منفی	۴۶	-۰/۱۸	۰/۰۴
کل DIRAP	۴۶	۰/۳۳	۰/۱۱
آمیختگی (CFQ)	۴۶	۲۰/۵۴	۳/۹۶
افسردگی (BDI-II)	۴۶	۹/۵۶	۲/۵۱

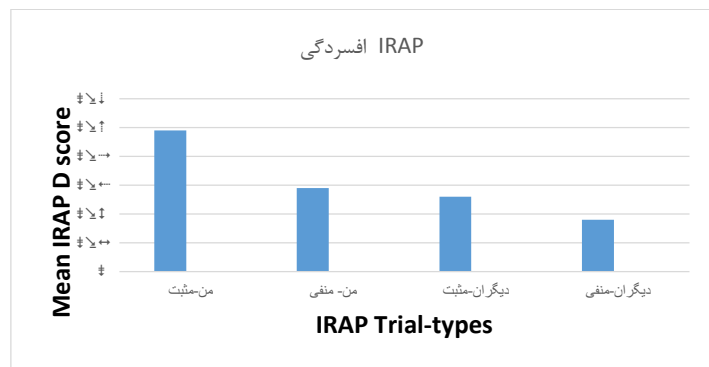
مطابق جدول (۳)، شرکت‌کنندگان در کوشش‌های نوع ۱ (من-مثبت) و کوشش نوع ۲ (من-منفی) DIRAP مثبت نشان داده‌اند. مطابق اصول تفسیر نمرات DIRAP (هوسی و همکاران، ۲۰۱۵) در واقع نمرات مثبت در کوشش نوع ۱ حاکی از این هستند که شرکت‌کنندگان به کوشش‌های بلوک‌های همساز (من-مثبت-درست) نسبت به کوشش‌های بلوک‌های ناهمساز (من-مثبت-غلط) سریع‌تر پاسخ داده‌اند؛ در حالیکه نمرات مثبت در کوشش نوع دوم نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان به بلوک‌های ناهمساز (من-منفی-غلط) نسبت به بلوک‌های همساز (من-منفی-درست) سریع‌تر پاسخ داده‌اند. بر عکس میانگین DIRAP در کوشش نوع سوم (دیگران-مثبت) و چهارم (دیگران-منفی) منفی به‌دست آمده است. اثر IRAP منفی در کوشش نوع سوم (دیگران-مثبت) بدین معناست که شرکت‌کنندگان به کوشش‌های بلوک‌های همساز (دیگران-مثبت-درست) سریع‌تر از کوشش‌های بلوک‌های ناهمساز (دیگران-مثبت-غلط) پاسخ داده‌اند؛ و بر عکس در کوشش نوع چهارم این بدان معناست که شرکت‌کنندگان به کوشش‌های بلوک‌های ناهمساز (دیگران-منفی-غلط) سریع‌تر از کوشش‌های بلوک‌های همساز (دیگران-منفی-درست) پاسخ داده‌اند (لازم است توجه شود که برونداد IRAP در قالب «درست-غلط-غلط-درست» است و از این‌رو نمرات D بایستی با الگوی فوق تفسیر شوند). به‌صورت کلی این الگوی پاسخدهی شرکت‌کنندگان در این تکلیف بدین معناست که آنها سوگیری مثبت تری نسبت به خود در مقایسه با دیگران دارند، هر چند نگرش شرکت‌کنندگان به دیگران منفی نیست. به‌دیگر سخن شرکت‌کنندگان به جفت محرک‌های نشانگر مثبت بودن خود و منفی نبودن خود نسبت به وضعیت معکوس آن (یعنی مثبت نبودن خود و منفی بودن خود) سریع‌تر پاسخ داده‌اند. چنین الگویی درباره جفت محرک‌های مربوط به دیگران نیز مشاهده می‌شود، به‌طوری که به محرک‌های نشانگر مثبت بودن دیگران و منفی نبودن دیگران در مقایسه با وضعیت عکس آن (یعنی منفی بودن دیگران و مثبت نبودن دیگران) سریع‌تر پاسخ داده‌اند. الگوی پاسخ شرکت‌کنندگان در کوشش‌های چهارگانه در نمودار (۲) ارائه شده است. نهایتاً اثر IRAP کل در بین گروه نیز مثبت (بزرگ‌تر از صفر) است ( $Overall D_{IRAP} = 0/34$ ) به‌دست آمده است که شاخصی از داشتن نگرش مثبت نسبت به خود در مقایسه با دیگران است. به دیگر سخن

شرکت کنندگان به صورت کلی خود را به شکل مثبت‌تر و یا غیرمنفی‌تر ارزیابی کرده تا دیگران.



نمودار (۲) نمرات  $D_{IRAP}$  افسردگی در بین دانشجویان بر اساس نوع کوشش

علاوه بر الگوی فوق که نشانگر داشتن نگرش‌های ضمنی مثبت نسبت به خود در بین شرکت کنندگان است، به منظور بررسی تفاوت‌های موجود بین چهار نوع کوشش ابتدا، نمرات کوشش سوم و چهارم وارونه شده (نمودار ۳) و سپس تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر یکراهه بر روی این داده‌ها اجرا گردید. نتایج آزمون کرویت موشلی نشان داد که مقدار  $W$  به دست آمده برابر با  $0/67$  بوده در سطح  $p > 0/05$  است، که نشانگر رعایت نشدن فرض کرویت (عدم برابری ماتریس واریانس-کواریانس) بوده و بنابراین بایستی از اسپیلون‌ها در بررسی نتایج تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر استفاده کرد. نتایج تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر در جداول ۴ و ۵ ارائه شده است.



نمودار (۳) نمرات  $D_{IRAP}$  افسردگی دانشجویان بر اساس نوع کوشش بعد از وارونه‌سازی

جدول (۴) نتایج تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر  $D_{IRAP}$  افسردگی کوشش‌های چهارگانه

منبع تغییرات	مجموع مجذورات درجه آزادی میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
نوع کوشش	فرض کرویت	۲/۱۹	۰/۰۰۱
خطا	گرینهاوس-گیسر	۲/۱۹	۰/۰۰۱
	فرض کرویت	۱۳۵	۰/۰۰۴
	گرینهاوس-گیسر	۱۰۷/۴۷	۰/۰۰۵

مطابق مندرجات جدول (۴)، مقدار F محاسبه شده اسپیلون اول (گرینهاوس-گیسر) برابر با ۱۹۸/۱۳ بوده و در معنادار است ( $p > ۰/۰۱$ ) که نشانگر تفاوت بین نوع کوشش‌ها است. به منظور تعیین منبع این تفاوت از مقایسه‌های چندگانه استفاده شد که نتایج آن در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول (۵) نتایج آزمون مقایسه‌های چندگانه انواع کوشش‌ها

نوع کوشش	نوع کوشش	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معناداری
من-مثبت	من-منفی	۰/۱۸	۰/۰۱	۰/۰۰۱
من-منفی	دیگران-مثبت	۰/۲۱	۰/۰۱	۰/۰۰۱
	دیگران-منفی	۰/۳۰	۰/۰۱	۰/۰۰۱
دیگران-مثبت	دیگران-مثبت	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۱
	دیگران-منفی	۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۰۰۱
	دیگران-منفی	۰/۰۸	۰/۰۰۹	۰/۰۰۱

طبق جدول (۵)، هر ۴ نوع کوشش با همدیگر تفاوت معناداری دارند که میزان تفاوت نوع کوشش‌ها با یکدیگر متفاوت است ( $p > 0/01$ ). میزان تفاوت بین کوشش من-مثبت و دیگران-منفی در بیشترین سطح و تفاوت بین من-منفی-دیگران مثبت در پایین‌ترین سطح است. این نتایج با تفسیرهای ارائه شده در فوق همسو بوده و نشان می‌دهند که DIRAP به دست آمده برای کوشش‌ها به صورت معناداری با یکدیگر متفاوت است و با توجه به این معناداری تفاسیر ارائه شده فوق درباره باورهای مربوط به خود و دیگران در بین شرکت کنندگان درست است. با توجه به الگوی به دست آمده DIRAP کوشش‌ها و DIRAP کل، می‌توان نتیجه گرفت که تکلیف IRAP افسردگی توانایی سنجش شناخت‌های ضمنی را دارد.

جدول (۶) همبستگی آمیختگی شناختی و افسردگی با اثرات IRAP

متغیر	اثر IRAP			
	من-مثبت	من-منفی	دیگران-مثبت	دیگران-منفی
آمیختگی	۰/۳۰*	۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۲۱
افسردگی	۰/۱۰	۰/۱۴	۰/۱۷	۰/۲۴

جدول (۶) همبستگی اثر IRAP کوشش‌های مختلف با آمیختگی و افسردگی را نشان می‌دهد. مطابق مندرجات این جدول، نمرات آمیختگی شناختی با اثر IRAP کوشش اول (من-مثبت-درست) به صورت منفی همبسته است ( $p > 0/05$ ) که مقدار این همبستگی نسبتاً ضعیف است، اما آمیختگی با سایر کوشش‌ها همبستگی معناداری ندارد؛ همچنین بین افسردگی با هیچ‌کدام از کوشش‌ها و اثر کلی همبستگی معناداری وجود ندارد. این یافته بدین معناست که بین نمرات ابزارهای عینی (افسردگی و آمیختگی شناختی) و اثرات IRAP همبستگی معنادار قابل توجهی وجود ندارد و بین ابزارهای عینی و ضمنی (یعنی اثر IRAP) همگرایی چندانی وجود ندارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف مطالعه حاضر سنجش باورهای ضمنی مرتبط با افسردگی بوسیله IRAP بود که در این راستا یافته‌ها نشان داد شرکت کنندگان بین نوع کوشش‌های مختلف تکلیف، اثر IRAP متفاوتی نشان دادند. مطابق مدل بسط و انسجام ارتباطی این تفاوت‌ها به معنای سرعت



پاسخ‌دهی ارتباطی متفاوت به محرک‌های طی بلوک‌های همساز و ناهمساز است، به طوری که شرکت کنندگان در این مطالعه به بلوک‌های همساز (مثل «من-شاد-درست» یا «من-غمگین-غلط») سریع‌تر از بلوک‌های ناهمساز (مثل «من-شاد-غلط» یا «من-غمگین-درست») پاسخ داده‌اند. چنین وضعیتی درباره محرک برچسب دیگران نیز صدق می‌کند و شرکت کنندگان به بلوک‌های همساز دیگران نیز - همانند محرک برچسب خود- با سرعت بیشتری پاسخ داده‌اند، هرچند مطابق شاخص اثر IRAP کلی و میانگین اثر IRAP کوشش‌های مختلف، سرعت پاسخ‌دهی به کوشش‌های مربوط به خود کوشش‌های همساز در مقایسه با کوشش‌های مربوط به دیگران کوشش‌های همساز بیشتر بوده و نشانگر سوگیری مثبت‌تر شرکت کنندگان نسبت به خود در مقایسه با دیگران است. به دیگر سخن، شرکت کنندگان هم نسبت به خود و هم نسبت به دیگران سوگیری مثبت نشان داده‌اند، هر چند میزان سوگیری مثبت به خود بیشتر از میزان سوگیری مثبت به دیگران است. این یافته‌ها نشانگر توانایی IRAP در زمینه سنجش و اندازه‌گیری باورهای دخیل در افسردگی بوده و همسو با مطالعات پیشین در زمینه اعتبار این ابزار برای مطالعه شناخت ضمنی است.

نتایج حاضر همسو با مطالعات قبلی در زمینه‌های اجتماعی (مثل رودی و همکاران، ۲۰۱۱؛ داوسون و همکاران، ۲۰۰۹؛ اسنودن و همکاران، ۲۰۱۱؛ دریک و همکاران، ۲۰۱۰؛ فارل و همکاران، ۲۰۱۵) و موضوعات مربوط به حوزه آسیب‌شناسی (کونسس و همکاران، ۲۰۱۳؛ هوسی و همکاران، ۲۰۱۶؛ نیکولوسن و همکاران، ۲۰۱۳) است. اغلب این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شرکت کنندگان در IRAP مرتبط با باورهای افراد راجع به چاقی، جنسیتی، قومی-نژادی، اجتماعی و همچنین باورهای مربوط به آینده در افسردگی، باورهای مربوط به عزت‌نفس، خودکشی و ... اثر IRAP نشان داده‌اند که حاکی از توانایی این ابزار در شناسایی باورهای ضمنی است.

در زمینه رابطه بین ابزارهای عینی و ضمنی نتایج نشان داد که بین پرسشنامه آمیختگی و افسردگی با اثرات IRAP همبستگی منفی نسبتاً ضعیفی وجود داشت که به جز یک مورد بقیه معنادار نبودند. چنین یافته‌هایی با اغلب پژوهش‌های پیشین در زمینه موضوعات مربوط به روانشناسی اجتماعی، مثل نگرش جنسی به کودکان و تشخیص مجرمان جنسی (داوسون

و همکاران، ۲۰۰۹؛ استودن و همکاران، ۲۰۱۱؛ روچ و همکاران، ۲۰۰۵)، نگرش‌های مربوط به نژاد (پاور و همکاران، ۲۰۰۹؛ بارنز-هولمز و همکاران، ۲۰۱۰) همسو است. با این حال در زمینه آسیب‌روانی چندین پژوهش انجام گرفته است که نتایج آنها با همدیگر متناقض است. برخی از این پژوهش‌ها بین ابزارهای عینی و ضمنی برخی روابط معنادار را گزارش کرده‌اند؛ مثلاً نیکلسون و همکاران (۲۰۱۳) و نیکلسون و بارنز-هولمز (۲۰۱۲) نشان داده‌اند که بین برخی از خرده‌مقیاس‌ها و نمره کل پرسشنامه‌های وسواسی-جبری و اثر IRAP همبستگی وجود دارد. اما مطالعه کونسس و همکاران (۲۰۱۳) نشان داده است که بین ابزارهای عینی افسردگی (آزمون افسردگی بک و مقیاس نومییدی بک) همبستگی وجود ندارد. البته چندین مطالعه در این زمینه هم انجام شده است که همبستگی بین روش‌های اندازه‌گیری عینی و ضمنی افسردگی یا خودکشی را مورد بررسی قرار نداده‌اند (مثل هوسی و بارنز-هولمز، ۲۰۱۲؛ هوسی و همکاران، ۲۰۱۶). با وجود همسویی نسبتاً بالای یافته‌های حاضر با یافته‌های کونسس و همکاران (۲۰۱۳) - که بر روی دانشجویان دارای افسردگی غیربالینی خفیف انجام گرفته است - با این حال یافته‌های حاضر بر خلاف یافته‌های کونسس و همکاران (۲۰۱۳) همبستگی هرچند ضعیفی بین ابزارهای عینی و ضمنی نشان داد که شاید آن تفاوت ناشی از این باشد که نمونه مطالعه حاضر از بین دانشجویان افسرده بالینی انتخاب شده بود و شدت افسردگی آنها نسبت به مطالعه مذکور بالاتر بود.

در تفسیر این تناقض‌ها، می‌توان گفت شاید باورهای دخیل در اختلالات مختلف از نظر حساسیت روانشناختی یا اجتماعی متفاوت باشند، بدین معنا شناخت‌ها و باورهای دخیل در برخی اختلالات و مشکلات روانشناختی دارای حساسیت روانشناختی باشند، اما برخی دیگر نه. مدل بسط و انسجام ارتباطی بر این باور است که تناقض یا ناهمگرایی یافته‌های پرسشنامه و ضمنی در مواردی رخ می‌دهد موضوع یا باور مورد بررسی از نظر اجتماعی یا روانشناختی حساسیت داشته باشد. این مدل به واسطه بهره گرفتن از یک ویژگی پاسخ‌دهی ارتباطی به نام انسجام تبیینی در زمینه چرایی همگرایی یا واگرایی عملکرد در روش‌های مستقیم و غیرمستقیم پیشنهاد کرده است (هاگز و بارنز-هولمز، ۲۰۱۳). در واقع مطابق مدل بسط و انسجام ارتباطی، به دلیل فقدان فشار زمانی در پرسشنامه فرد زمان کافی برای صدور و هماهنگ

ساختن پاسخ‌های ارتباطی سریع و کوتاه (BIRRs) (مثلاً نگرش منفی نسبت به سیاه‌پوستان)، پاسخ‌های ارتباطی بسط و گسترش یافته (EERRs) (گزارش نگرش مثبت نسبت به سیاه‌پوستان) و سپس پاسخدهی به این BIRR و EERR را دارد (مثلاً «نادیده گرفتن واکنش اولیه و تیک زدن پاسخ مثبت در یک پرسشنامه» (هاگز و همکاران، ۲۰۱۲)، اما در ابزارهای ضمنی مثل IRAP به دلیل فشار زمانی غالباً آنچه ثبت می‌شود یک BIRR است و این مسئله منجر به یافته‌های ناهمگرا در برخی زمینه‌ها شده است. با این حال نتایج IRAP و پرسشنامه‌ها، هنگامی که شرکت‌کنندگان انگیزه‌ای برای خودارزیابی یا تغییر رفتارشان جهت هماهنگی با انتظارات آزمایشگر و انتظارات اجتماعی نباشد (یعنی وقتی که هدف ارزیابی پاسخدهی «غیرحساس اجتماعی» باشد) همگرا است (هاگز و بارنز-هولمز، ۲۰۱۳). با این وجود به نظر می‌رسد به دلیل یافته‌های متناقض پژوهش‌های پیشین در زمینه موضوعات مربوط به آسیب روانی، نباید چنین یافته‌هایی را به حوزه اختلالات تعمیم داد و چنانچه اشاره شد این تناقض‌ها شاید به محتوای شناخت در هر یک از اختلالات مربوط باشد و یا ناشی از مسائل روش شناختی باشد. بنابراین در این زمینه هنوز به مطالعات بیشتری نیاز وجود دارد.

به‌طور کلی به نظر می‌رسد این ابزار به‌صورت اولیه کفایت لازم برای کاربست در حوزه آسیب‌شناسی و درمان را داراست و با توجه به مزیت‌های ابزارهای ضمنی و مزیت‌های اختصاصی IRAP که در بخش مقدمه بدان‌ها اشاره شد، استفاده از چنین ابزارهایی در زمینه آسیب‌شناسی و درمان توصیه می‌شود، اما انجام پژوهش‌هایی در زمینه دیگر ویژگی‌های این ابزار (برای اطلاع از دیگر ویژگی‌های روش شناختی و ویژگی‌های روانسنجی این ابزار مراجعه کنید به گلیجانی مقدم، هارت و داوسون، ۲۰۱۳) به‌ویژه در زمینه موضوعات آسیب‌شناسی و مبتنی بر مدل بسط و انسجام ارتباطی پیشنهاد می‌شود. با این حال، نتایج مقدماتی پژوهش حاضر همسو با مطالعات دیگر حوزه نظریه چارچوب‌های ارتباطی، نویدبخش ظهور و گسترش رویکرد جدید تحلیلی-شناختی (دهوور، بارنز-هولمز و بارنز-هولمز، زیر چاپ) در روانشناسی است.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۱۱

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۱۱

## منابع

- قلی‌زاده، حسین (۱۳۸۷). برازش تجربی نظریه همخوانی استرس و سبک‌های شخصیتی جامعه‌گرایی و خودگردانی در بیماران افسرده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه تبریز.
- هاشمی، زهره؛ محمودعلیلو، مجید و تورج هاشمی نصرت‌آبادی (۱۳۹۰). اثر بخشی درمان فراشناختی در کاهش علائم افسردگی و باورهای فراشناختی بیماران مبتلا به افسردگی اساسی (مطالعه موردی). تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۹، ۲: ۱۳۳-۱۴۰.
- Abramson, L.Y., Alloy, L.B., Hankin, B.L., Haefel, G.J., MacCoon, D.G., & Gibb, B.E. (2002). *Cognitive vulnerability-stress models of depression in a self-regulatory and psychobiological context*. In I. H. Gotlib, & C.L. Hammen (Eds.), *Handbook of depression* (pp. 268-294). New York: Guilford.
- Barnes-Holmes, D., Barnes-Holmes, Y., Power, P., Hayden, E., Milne, R., & Stewart, I. (2006). Do you really know what you believe? Developing the Implicit Relational Assessment Procedure (IRAP) as a Direct Measure of Implicit Beliefs. *The Irish Psychologist*, 32 (7): 169-177.
- Barnes-Holmes, D., Barnes-Holmes, Y., Stewart, I., & Boles, S. (2010). A sketch of the Implicit Relational Assessment Procedure (IRAP) and the Relational Elaboration and Coherence (REC) model. *The Psychological Record*, 60: 527° 542.
- Barnes-Holmes, D., Foody, M., Barnes-Holmes, D., McHugh, L. (2013). *Advances in Research on Deictic Relations and Perspective-Taking*. In S. Dymond and B. Roche (Eds), *Advances in Relational Frame Theory: Research and Application* (pp. 127-151). Oakland: New Harbinger Publications, Inc.
- Barnes-Holmes, D., Hayden, E., Barnes-Holmes, Y., Stewart, I. (2008). The Implicit Relational Assessment Procedure (IRAP) as a Response-Time and Event -Related-Potentials Methodology for Testing Natural Verb al Relations: A Preliminary Study. *The Psychological Record*, 58: 497-516.
- Barnes-Holmes, D., Murphy, A., Barnes-Holmes, Y., & Stewart, I. (2010). The Implicit Relational Assessment Procedure (IRAP): Exploring the impact of private versus public contexts and the response latency criterion on pro-White and anti-Black stereotyping among white Irish individuals. *The Psychological Record*, 60: 57° 66.

- Campbell, C., Barnes-Holmes, Y., Barnes-Holmes, D., & Stewart, I. (2011). Exploring screen presentations in the Implicit Relational Assessment Procedure (IRAP). *International Journal of Psychology and Psychological Therapy*, 11(3): 377-388.
- Carpenter, K. M., Martinez, D., Vadhan, N. L., Barnes-Holmes, D., & Nunes, E. V. (2012). Performance based measures of attentional bias and relational responding are associated with behavioural treatment outcome for cocaine dependence. *The American Journal of Drug and Alcohol Abuse*, 38(2): 146° 154.
- Cullen, C., Barnes-Holmes, D., Barnes-Holmes, Y., & Stewart, I. (2009). The Implicit Relational Assessment Procedure (IRAP) and the malleability of ageist attitudes. *The Psychological Record*, 59: 591° 620.
- Dawson, D.L., Barnes-Holmes, D., Gresswell, D.M., Hart, A.J.P., & Gore, N.J. (2009). Assessing the implicit beliefs of sexual offenders using the Implicit Relational Assessment Procedure: A first study. *Sexual Abuse: A Journal of Research and Treatment*, 21: 57° 75.
- De Houwer, J. (2006). *What are implicit measures and why are we using them*. In R.W. Wiers, & A.W. Stacy (Eds.), *Handbook of implicit cognition and addiction* (pp. 11° 28). Thousand Oaks, CA: SAGE.
- De Houwer, J., & Moors, A. (2012). *How to define and examine implicit processes?* In R. Proctor & J. Capaldi (Eds.), *Implicit and explicit processes in the psychology of science* (pp.183-198). Oxford University Press.
- De Houwer, J., Barnes-Holmes, D., & Barnes-Holmes, Y. (in press). *What is cognition? A functional cognitive perspective*. In Steven C. Hayes and Stefan G. Hofmann (Eds.), *Core Processes of Cognitive Behavioral Therapies*. Oakland, CA: New Harbinger.
- Dixon, M.R., Rehfeldt, R.A., Zlomke, K.R., & Robinson, A. (2006). Exploring the development and dismantling of equivalence classes involving terrorist stimuli. *Psychological Record*, 56: 83° 103.
- Drake, C.E., Kellum, K. K., Wilson, K. G., Luoma, J. B., Weinstein, J. H., & Adams, C. H. (2010). Examining the Implicit Relational Assessment Procedure: Four pilot studies. *The Psychological Record*, 60: 81° 100.
- Farrell, L., Cochrane, A., & McHugh, L. (2015). Exploring attitudes towards gender and science: The advantages of an IRAP approach versus the IAT. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 4 (2): 121-128.

- Ghassemzadeh, H., Mojtabai, R., Karamghadiri, N., & ebrahimkhani, N. (2005). Psychometric properties of a Persian language version of the beck depression inventory-second edition: BDI-II-Persian. *Journal of Depresses & Anxiety*, 2: 185-192.
- Gillanders, D.T., Bolderston, H., Bond, F.W., Dempster, M., Flaxman, P.E., Campbell, L. & et al (2014). The Development and Initial Validation of the Cognitive Fusion Questionnaire. *Behavior Therapy*, 45: 83° 101.
- Golijani-Moghaddam, N., Hart, A., Dawson, D.L. (2013). The Implicit Relational Assessment Procedure: Emerging reliability and validity data. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 2: 105-119.
- Gotlib, I. H., & Neubauer, D. L. (2000). *Information-processing approaches to the study of cognitive biases in depression*. In S. L. Johnson, A. M. Hayes, T.M. Field, N. Schneiderman, & P. M. McCabe (Eds.), *Stress, coping, and depression*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Haefffel, G.J., Abramson, L.Y., Brazy, P.C., Shah, J.Y., Teachman, B.A., & Nosek, B.A. (2007). Explicit and Implicit Cognition: A preliminary test of a dual-process theory of cognitive vulnerability to depression. *Behaviour Research and Therapy*, 45: 1155-1167.
- Hayes S.C., & Barnes-Holmes D. (2004). Relational Operants: Processes and implications: A response to Palmer's review of Relational Frame Theory. *Journal of the Experimental Analysis of Behavior*, 82: 213° 224.
- Hayes, S.C., Fox, E., Gifford, E.V., Wilson, K.G., Barnes-Holmes, D. & Healy, O. (2001). *Derived relational responding as learned behavior*. In S.C. Hayes, D. Barnes-Holmes & B. Roche (Eds.) *Relational frame theory: A post-Skinnerian account of human language and cognition* (pp. 21-51). New York: Plenum Press.
- Hayes, S.C., Barnes-Holmes, D., & Roche, B. (2001). *Relational Frame Theory: A Post-Skinnerian Account of Human Language and Cognition*. New York: Kluwer Academic Publishers.
- Hayes, S.C., Strosahl, K.D., & Wilson, K.G. (2012). *Acceptance and Commitment Therapy: The Process and Practice of Mindful Change* (second Edition). New York: Guilford Press.
- Hughes, S., Barnes-Holmes, D. (2013). *A Functional Approach to the Study of Implicit Cognition: The Implicit Relational Assessment Procedure (IRAP) and the Relational Elaboration and Coherence (REC) Model*. In S. Dymond, & B. Roche, (Eds). *Advances in Relational Frame Theory*

- 
- Research and Application (97-127). Oakland: New Harbinger Publications, Inc.
- Hughes, S., Barnes-Holmes, D. (2016a). *Relational Frame Theory: the basic account*. In R. D. Zettle, S. C. Hayes, D. Barnes-Holmes, & A. Biglan (Eds). *The Wiley Handbook of Contextual Behavioral Science* (129-179). Chichester, UK: Wiley Blackwell.
- Hughes, S., Barnes-Holmes, D. (2016b). *Relational Frame Theory Implications for the Study of Human Language and Cognition*. In R. D. Zettle, S. C. Hayes, D. Barnes-Holmes, & A. Biglan (Eds). *The Wiley Handbook of Contextual Behavioral Science* (179-227). Chichester, UK: Wiley Blackwell.
- Hughes, S., Barnes-Holmes, D., & Vahey, N. (2012). Holding on to our functional roots when exploring new intellectual islands: A voyage through implicit cognition research. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 1: 17° 38.
- Hussey, I. (2014). *User Manual for IRAP*. Retrieved from: [www.IRAPresearch.org](http://www.IRAPresearch.org), 2015.
- Hussey, I., Barnes-Holmes, D. (2012). The implicit relational assessment procedure as a measure of implicit depression and the role of psychological flexibility. *Cognitive Behavioral Practice*, 19:573-582.
- Hussey, I., Barnes-Holmes, D. (2012). The implicit relational assessment procedure as a measure of implicit depression and the role of psychological flexibility. *Cognitive Behavioral Practice*, 19: 573-582.
- Hussey, I., Barnes-Holmes, D., & Barnes-Holmes, Y. (2015). From Relational Frame Theory to implicit attitudes and back again: clarifying the link between RFT and IRAP research. *Current Opinion in Psychology*, 2: 11° 15.
- Hussey, I., Barnes-Holmes, D., & Booth, R. (2016). Individuals with current suicidal ideation demonstrate implicit fearlessness of death. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 51: 1-9.
- Hussey, I., Thompson, M., McEntegart, Barnes-Holmes, D., & Barnes-Holmes, Y. (2015). Interpreting and inverting with less cursing: A guide to interpreting IRAP data. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 4 (3): 157° 162.
- Konses, L., Whelan, R., O Donovan, A., McHugh, L.A. (2013). Implicit measurement of positive and negative future thinking as a predictor of
-

- depressive symptoms and hopelessness. *Consciousness and Cognition*, 22: 989-912.
- Murphy, C., Hussey, T, Barnes-Holmes, D., & Kelly, M.E. (2015). The Implicit Relational Assessment procedure (IRAP) and attractiveness bias. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 4 (4):292° 299.
- Nicholson, E., & Barnes-Holmes, D. (2012). The Implicit Relational Assessment Procedure (IRAP) as a measure of spider fear. *The Psychological Record*, 62: 263° 278.
- Nicholson, E., McCourt, A., Barnes-Holmes, D. (2013). The Implicit Relational Assessment Procedure (IRAP) as a measure of obsessive beliefs in relation to disgust. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 2: 23-30.
- Perugini, M., Richetin, J., & Zogmaister, C. (2010). *Prediction of behavior*. In: B. Gawronski, & K. Payne (Eds.), *Handbook of implicit social cognition: Measurement, theory, and applications* (pp. 255° 277). New York: Guilford pp.
- Power, P.M., Barnes-Holmes, D., Barnes-Holmes, Y., & Stewart, I. (2009). The Implicit Relational Assessment Procedure (IRAP) as a measure of implicit relative preferences: A first study. *The Psychological Record*, 59: 621° 640.
- Quinones, J.L., & Hayes, S.C. (2014). Relational coherence in ambiguous and unambiguous relational networks. *Journal of the Experimental Analysis of Behavior*, 101: 76-93.
- Remue, J., De Houwer, J., Barnes-Holmes, D., Vanderhasselt, M.A., De Raedt, R. (2013). Self-esteem revisited: Performance on the implicit relational assessment procedure as a measure of self-versus ideal self-related cognitions in dysphoria. *Cognition & Emotion*, 27: 1441° 1449.
- Remue, J., Hughes, S., De Houwer, J., De Raedt, R. (2014). To Be or Want to Be: Disentangling the Role of Actual versus Ideal Self in Implicit Self-Esteem. *PLoS ONE* 9 (9): e108837.
- Roche, B., Ruiz, M., O Riordan, M., & Hand, K. (2005). *A relational frame approach to the psychological assessment of sex offenders*. In M. Taylor & E. Quayle (eds.), *Viewing child pornography on the internet: Understanding the offense, managing the offender, and helping the victims* (pp. 109° 125). Dorset, UK: Russell House Publishing.



- 
- Roddy, S., Stewart, I., & Barnes-Holmes, D. (2011). Facial reactions reveal that slim is good but fat is not bad: Implicit and explicit measures of body size bias. *European Journal of Social Psychology*, 41(6): 488° 494.
- Roefs, A., Huijding, J., Smulders, F.T.Y., MacLeod, M.L., Jong, P.J., Wiers, R.W., Jansen, A.T. M. (2011). Implicit Measures of Association in Psychopathology Research. *Psychological Bulletin*, 137 (1): 149° 193.
- Slattery, B., & Stewart, I. (2014). Hierarchical classification as relational framing. *Journal of the Experimental Analysis of Behavior*, 101: 61-75.
- Snowden, R.J., Craig, R.L., & Gray, N.S. (2011). Indirect behavioral measures of cognition among sexual offenders. *Journal of Sex Research*, 48(2° 3): 192° 217.
- Stewart, I., & McElwee, J. (2009). Relational responding and conditional discrimination procedures: An apparent inconsistency and clarification. *The Behavior Analyst*, 32(2): 309-317.
- Stewart, I., & Roche, B. (2013). *Relational Frame Theory: An Overview*. In S. Dymond, & B. Roche, (Eds). *Advances in Relational Frame Theory: Research and Application* (pp. 51-73). Oakland: New Harbinger Publications, Inc.
- Vahey, N.A., Barnes-Holmes, D., Barnes-Holmes, Y., Stewart, I. (2009). A First Test of the Implicit Relational Assessment Procedure as a Measure of Self-Esteem: Irish Prisoner Groups and University Students. *The Psychological Record*, 59: 371° 388.
- Wiers, R.W., Teachman, B.A., De Houwer, J.(2007). Implicit cognitive processes in psychopathology: An introduction. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 38: 95° 104.